

ارائه الگوی مطلوب ممیزی در حوزه ترجمه

کتب علوم انسانی

با تأکید بر آراء مقام معظم رهبری

چکیده

ترجمه متون اگر در مجرای صحیح خود قرار بگیرد، یکی از زمینه‌های تبادل فرهنگی و پیشرفت تمدن‌ها خواهد بود. اما این ابزار امروزه به بستری برای تسری الگوهای غربی در راستای اهداف جهانی سازی تبدیل شده است. غرب به‌خصوص در راستای خارج کردن رقیب اصلی فکری خود یعنی جهان اسلام از میدان علوم انسانی تمرکز ویژه‌ای بر محو الگوهای اسلام شیعی و جایگزین کردن الگوهای سکولار دارد. در عملیات بی. اس. پی^۱ به‌عنوان بزرگترین عملیات جاسوسی آکادمیک قرن بیستم، علوم انسانی نافذترین حوزه جنگ نرم و ترجمه کتاب سلاح تبلیغات استراتژیک به‌شمار می‌رود. چنین ادعایی نیاز به وجود الگویی هوشمند و قوی در مواجهه با مقوله ترجمه را نشان می‌دهد. امروزه تنها الگوی نظارت بر ترجمه، شیوه ممیزی مرسوم است که در میان آثار تألیفی و ترجمه شده مشترک است. اما این شیوه در مواجهه با آثار ترجمه شده کارآمدی مطلوب را ندارد. سؤال اصلی پژوهش، چیستی الگوی مطلوب مواجهه با سیل کتب ترجمه شده در حوزه علوم انسانی با تأکید بر آراء مقام معظم رهبری است. در این پژوهش به مدد روش تحلیل مضمون شیوه جدیدی از ممیزی با «عنوان ممیزی» پویا ارائه می‌شود. در ممیزی پویا تنها راه مقابله با آثار ترجمه شده، از نوع حذف و سانسور نیست؛ بلکه نقد و حاشیه‌نویسی پایاپای اثر با توجه به مبانی اسلامی در کنار ممیزی مرسوم ضروری است.

■ واژگان کلیدی

کتاب، ممیزی، ترجمه، سیاست‌گذاری، تهدید نرم، آیت الله خامنه‌ای، علوم انسانی، الگوی مطلوب.

نصرالله آقاجانی

استادیار دانشگاه باقرالعلوم (ع)

فاطمه ملک‌خانی

طلبه سطح سوم مطالعات اسلامی زنان و کارشناسی ارشد ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

۱. مقدمه

از دیرباز تاکنون، چه زمانی که دانشمندان مسلمان در تحقق تمدن اسلامی از ترجمه‌ی آثار غربی بهره‌ها بردند و چه هنگامی که تمدن غرب در آغاز شکل‌گیری به ترجمه منابع غنی اسلامی روی آورد، ترجمه متون یکی از زمینه‌های تبادل فرهنگی و پیشرفت تمدن‌ها بوده است. هرچند این تبادل زمان‌هایی مسیر انحطاط را پیموده و شکل تهاجم فرهنگی به خود گرفته است. رهبر فرزانه انقلاب در تبیین تفاوت میان این دو، تعامل فرهنگی را به خرید میوه یا غذا تشبیه می‌کنند - که انسان با توجه به معیارهایی مشخص، آگاهانه به انتخاب بهترین‌ها می‌پردازد - اما تهاجم فرهنگی مانند زمانی است که فردی را به اجبار بخوابانند و ماده‌ای را که نمی‌داند چیست و برای او مفید است یا نه؛ با آمپول به او تزریق کنند. ایشان در ادامه می‌فرمایند: «در عالم فرهنگ هم همین است که آنچه دیدید و پسندیدید و مناسب خود دانستید و در آن ایرادی مشاهده نکردید، از مجموعه و ملت دیگر می‌گیرید؛ هیچ اشکالی هم ندارد. «اطلبوا العلم ولو بالصین»؛ (۱) این را هزار و چهارصد سال پیش به ما یاد دادند.» (۸۲/۹/۲۶). اما مواجهه با مقوله ترجمه در هر زمانی یکسان نبوده است. زمانی دانشمندان و فرهیختگان مان با توجه به مبادی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی، گزیده به ترجمه آثار غربی پرداختند، برخی از آنان هم‌زمان با ترجمه به نقد و بررسی آثار نیز می‌پرداختند. اما زمانی دیگر روشنفکران غرب‌زده که بهره‌چندانی از علوم اسلامی و بومی نداشتند با مشاهده جلوه‌های ظاهری تمدن غرب به شدت مرعوب این سیستم شده و پنداشتند که با وارد کردن صددرصدی اندیشه‌های غربی، عرصه را برای پیشرفت هرچه بیشتر ایران باز خواهند کرد، آنها ترجمه بدون حد و مرز را در دستور کار خود قرار دادند. مسیری که پس از انقلاب اسلامی در این زمینه طی شد نیز مسیر کاملاً مطلوبی نبود. در این سیستم جدید بحث ممیزی کتاب قوت گرفت و طی آن برخی آثار غربی اجازه ترجمه و انتشار نیافتند. برخی آثار با حذف و تعدیلاتی اجازه انتشار یافتند و برخی به راحتی در دسترس همگان قرار گرفتند. اما چه آثاری اجازه انتشار نیافتند: آنها غالباً آثار ادبی و هنری زرد و کاملاً نامتجانس با لایه رویین فرهنگ کشور بودند و با آثاری بودند که وجه انحرافی و ضد دین در آنها برجسته بود. اما در این میان چه آثاری آسان‌تر اجازه ترجمه و انتشار یافتند؟ غالباً آثار عمیق فکری که در لایه

رویین شاهد تعارضات آن با دین نبودیم. تعارضاتی که گاهی با وجود عمق زیاد و تأثیر مخرب بالا به راحتی مسیر ترجمه و انتشار را می‌پیمودند؛ یا مسئول ممیزی به عمق محتوای آن پی نمی‌برد و یا سازمان یافته و هدفمند ترجمه می‌شدند و به دلیل اینکه عموم مردم از آسیب‌های آن آگاه نمی‌شدند حساسیتی روی آن وجود نداشت. سیستم دانش داخل کشور که خود نیز وارداتی است، با آغوش باز آن‌ها را می‌پذیرفت و تقویت می‌کرد.

حساسیت این موضوع زمانی مشخص می‌شود که بدانیم اسناد چهار مرجع علمی، سیاسی و امنیتی ایالات متحده شامل کاخ سفید، آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا، شورای برنامه‌ریزی روانی و آکادمی علوم سیاسی آمریکا گویای آن است که در عملیات بی. اس. پی^۱ به عنوان بزرگترین عملیات جاسوسی آکادمیک قرن بیستم، «علوم انسانی، نافذترین حوزه جنگ نرم» و «ترجمه کتاب، سلاح تبلیغات استراتژیک» به‌شمار می‌رود؛ چرا که به عقیده آنها «یک کتاب ممکن است به عظمت یک نبرد باشد» و مترجم نیز مثل «چرخ کوچک یک سلسله وقایع مهم» از منظر آنان اولین گام براندازی یک نظام دینی با گسترش «فلسفه سیاسی سکولار» و از راه ترجمه برداشته می‌شود (فضلی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۹).

با این اوصاف ترجمه بدون ضابطه کتاب ظرفیت تبدیل به یک تهدید امنیتی نرم برای کشور را دارد و هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه عواقب ناگواری در پی خواهد داشت. سؤال اصلی پژوهش، چیستی الگوی مطلوب مواجهه با کتب ترجمه شده در حوزه علوم انسانی با تأکید بر آراء مقام معظم رهبری است. این مقاله به روش تحلیل مضمون و با استفاده از اسناد موجود (کتابخانه‌ای) صورت گرفته است.

در این زمینه کتاب‌ها و مقالاتی، هرچند محدود به رشته تحریر درآمده اند به‌طور مثال رجب‌زاده (۱۳۸۱) در کتابی با عنوان «ممیزی کتاب» به بررسی ۱۴۰۰ سند ممیزی در سال ۱۳۷۵ پرداخته و از این گذرگاه سیستم ممیزی موجود را به چالش کشیده است. سیدحسین شرف‌الدین (۱۳۸۶) نیز در مقاله‌اش با عنوان «ممیزی کتاب» به بررسی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه ممیزی پرداخته، و به‌خوبی ابعاد آن را روشن کرده است. در این مقاله ابتدا انواع ممیزی

معرفی می‌شود، سپس شیوه اعمال ممیزی و قوانین آن مورد بررسی قرار می‌گیرند. دیدگاه‌های مخالف و موافق در آن مطرح شده و فلسفه ممیزی تبیین می‌شود. پژوهش پیش‌رو دو تفاوت عمده با مقاله «ممیزی کتاب» دارد؛ الف) در این پژوهش مقصود اصلی، معرفی همه‌جانبه جریان حاکم بر ممیزی نیست، بلکه رسیدن به روشی جدید و شیوه‌ای کاربردی مدنظر است. ب) در حالی که اکثر مقالات و کتب موجود، از جمله مقاله ممیزی کتاب - بر ممیزی آثار داخلی متمرکز هستند. این پژوهش به صورت خاص بر ممیزی در حوزه ترجمه متون علوم انسانی متمرکز شده است. گرچه شباهت‌های زیاد میان این دو حوزه سبب شده که قوانین متفاوتی برای ممیزی کتب داخلی و ترجمه شده تعریف نشود. اما نگارنده معتقد است همین دیدگاه ناشی از نوعی اشتباه محاسباتی و غافل شدن از تفاوت‌های عمیق و ماهوی آثار بومی و برون‌زا و نوع مواجهه با آن است. حداد عادل در «دانشنامه جهان اسلام مدخل ت-ترجمه» به تاریخچه ترجمه و نحوه مواجهه با آن پرداخته است. برخی نیز ضرورت مواجهه هوشمندانه با این روند را در دستورالعمل قرار داده‌اند. پیام فضلی‌نژاد (۱۳۹۱) در کتاب «ارتش سری روشنفکران» در دو فصل مجزا ابتدا جایگاه علوم انسانی در جنگ نرم را تبیین می‌کند، سپس از نقش مترجمان سکولار در اجرای این سیاست‌ها پرده بر می‌دارد.

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱. علوم انسانی

«علوم انسانی را می‌توان به دانش‌هایی تعریف کرد که درباره کنش انسانی و احکام، آثار و پیامدهای آن صحبت می‌کند، به عبارت دیگر علم به موجوداتی است که با اراده و آگاهی انسان تحقق می‌یابد؛ مثل علم اخلاق و یا حقوق.» (پارسانیا، ۱۳۹۱: ۳۰) اگرچه در طبقه‌بندی صحیح اسلامی فلسفه و الهیات در جرگه علوم انسانی قرار نمی‌گیرند؛ اما با توجه به زمینه‌های پوزیتیویستی تولید آثار ترجمه شده، در تحقیق پیش‌رو منظور ما از کتاب‌های حوزه علوم انسانی شامل تمام آثاری است که به مسائلی چون جامعه، فرهنگ، زبان، رفتار و کنش انسان، و روان و اندیشه افراد توجه دارد و شامل فلسفه، الهیات، علوم اجتماعی، هنر، ادبیات و... می‌شود.

۲-۲. سانسور

«سانسور، تحدید بیانی است؛ تهدیدی برآیین دینی، سیاسی و اجتماعی پذیرفته شده در زمانه تلقی می‌شود و نگاهی از بیرون به این پدیده است.» (شرف‌الدین به نقل از جین ترنر، ۱۳۸۶: ۴). در زمان ناصرالدین شاه برای نظارت بر رسانه‌های مکتوب «اداره سانسور» به‌وجود می‌آید و این اصطلاح تا مدت‌ها در بحث نظارت و کنترل رسانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. (شرف‌الدین، ۱۳۸۶: ۷). در واژه سانسور نوعی مفهوم انفعالی به‌معنای بریدن و حذف کردن^۱ مستتر است. پس از انقلاب واژه ممیزی جای سانسور را می‌گیرد که بار معنایی صحیح‌تری نسبت به گذشته دارد. البته نیاز است نوع و شیوه نظارت هم متناسب با نام آن تغییر کند.

۲-۳. ممیزی

مفهوم ممیزی در لغت‌نامه دهخدا به‌معنای بررسی و تشخیص، بررسی محصول ملکی یا املاکی برای تعیین مالیات آن آورده شده است. در فرهنگ فارسی معین دو معنا برای آن ذکر شده: الف) واری، رسیدگی. ب) ارزیابی مالیاتی. در فرهنگ لغت عمید، رسیدگی مالیاتی را عنوان می‌کند. دیکشنری فارسی به انگلیسی واژه audit را معادل آن می‌داند که معادل بررسی دقیق است. دیکشنری فارسی به عربی نیز تدقیق را معادل این واژه معرفی می‌کند. در معنای این واژه - که وام گرفته از حوزه اقتصاد است - بررسی دقیق و شناخت صحیح برجسته است. بررسی اثر یک مرحله قبل از تصمیم‌گیری قرار دارد و خود تعیین‌کننده شیوه برخورد است. این برخورد لزوماً از نوع حذف و بریدن نخواهد بود و بسته به شرایط تغییر می‌کند. آنچه در مقاله پیش رو به آن خواهیم پرداخت ناظر به همین تعریف است. در معنای عام آن «ممیزی اعمال نظارت و کنترل قانونمند دستگاه‌ها یا نهادهای رسمی بر فرآیند عرضه مصنوعات فرهنگی (قبل یا بعد از انتشار آن) است. سیاست ممیزی به‌رغم جهان‌شمولی نسبی، الگوها و شیوه‌های اجرایی مختلفی دارد. هر کشور بسته به شرایط و وضعیت خاص خویش، برخی از این شیوه‌ها را اجرا می‌کند.» (شرف‌الدین، ۱۳۸۶: ۳).

۳. روش تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی- تحلیلی و با «تحلیل مضمون» سخنان رهبری در کنار استفاده از اسناد موجود کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. ابتدا جدول تحلیل مضمون بیانات رهبر ارائه شده و سپس با کمک اسناد کتابخانه‌ای الگوی مطلوب ممیزی در حوزه ترجمه کتب علوم انسانی ارائه می‌شود.

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
	روحیه ترجمه گرای	روحیه ترجمه‌های مخالف شجاعت در بیان حرف نو در محیط‌های علمی است. (۸۰/۸/۱۲) سرنوشت سخت برای ملتی که به اندیشه ترجمه‌ای رو نیاورد. (۷۹/۱۲/۹) ارمغان تفکر ترجمه‌ای ذائقه ترجمه‌ای و تکیه به دیگران و استفاده از فرآورده‌های فکری آنهاست. (۷۹/۱۲/۹) معضل تفکر ترجمه‌ای سبب گرفتن جرأت از جامعه علمی و نخبگانی شده است. (۸۱/۷/۳) ترجمه‌گرایی موجب عدم استقلال شخصیت علمی و وابستگی. (۸۶/۷/۹) شاگردی ننگ نیست همیشه شاگرد ماندن ننگ است. (۸۶/۷/۹)
آسیب‌های عرصه ترجمه	ترجمه محض	نامطلوب بودن پیروی از علم و فرهنگ ترجمه‌ای و تأکید بر ترجمه محض (۸۲/۲/۲۲) زبان‌های ترجمه محض: آسیب رسیدن به زبان هویت اسلامی و ملی و وابستگی به غرب، مدل بازی به‌جای مدل‌سازی و عدم پیشرفت. (۸۵/۸/۱۸) عدم مطلوبیت ترجمه محض بدون هیچ تحلیل و سنجشی با معیارها و قبول بی‌چون و چرای آن. (۸۰/۲/۱۲) نامطلوب بودن استفاده از ترجمه محض در فرآیند تعلیم که مساوی است با ایجاد تردید در ارزش‌های خودمان برای جوانان. (۸۸/۶/۸) نامناسب بودن اکتفا به فراگیری و ترجمه محض و درمقابل هدف قرار دادن تولید علم. (۸۲/۸/۸) الگو گرفتن بی‌قید و شرط از نظریه‌پردازان غربی و ترجمه‌گرایی برای کشور خطرناک است. (۸۷/۲/۱۴)
التقاط گرفتن علم و فرهنگ از بیگانه	تفکیک علم و فرهنگ	لزوم تفکیک علم غربی از فرهنگ غربی در ترجمه و استفاده از متون. (۸۱/۷/۳) لزوم تفکیک علم و فرهنگ بیگانه در هنگام ترجمه و استفاده. (۸۱/۱/۸) اندیشه ترجمه‌ای با فرهنگ اخلاق و عقاید سیاسی بیگانه همراه است و این برای کشور آسیب‌زا است. (۸۱/۷/۳)
تقلیدگرایی		هشیاری در عدم تقلید از غرب در پوشش ترجمه. (۸۵/۸/۱۸) استفاده از ترجمه برای گفتن حرف نو و جدید و نه پیروی از حرف‌های کهنه دیگران. (۸۵/۸/۱۸) ملازمه تقلید و وابستگی و عدم پیشرفت ملت‌ها. (۸۵/۸/۱۸) تکرار و تقلید حرف دیگران باعث جمود فکری می‌شود. (۸۱/۱/۱۸)

<p>وجود دست‌های پنهان در انتخاب متون زبان‌بخش برای جامعه (۹۰/۴/۲۹) ورود ترجمه‌های زبان‌بخش با ظاهر فرهنگی و مقاصد سیاسی. (۹۰/۴/۲۹) پیشبرد اهداف تهاجم فرهنگی بوسیله ترجمه برخی متون. (۷۱/۹/۱۹) وجود ترجمه های هدفمند به منظور تضعیف نظام و شکستن روحیه مردم. (۷۲/۶/۲۹) عدم مسئولیت‌پذیری برخی مترجمان در مورد محتوی نامناسب کتاب‌هایی که هدفمند ترجمه می‌کنند و عدم توجه کافی نهادهای ناظر به ترجمه حساب شده از آسیب‌های مهم این حوزه (۷۰/۷/۲۸) استفاده از ترجمه در جهت اغراض سیاسی (مصادره به مطلوب مفاهیم) (۷۰/۷/۲۸)</p>	<p>وجود اغراض سیاسی در ترجمه آثار</p>	<p>آسیب‌های عرصه ترجمه</p>
<p>یکی از دلایل روی آوردن به ترجمه متون فلسفی رقیب‌سازی برای فلسفه اسلامی. (۸۲/۱۰/۲۹)</p>	<p>رقیب‌سازی برای اسلام</p>	
<p>مدنظر قرار دادن سابقه درخشان در علوم انسانی و تأکید بر تولید علم بومی و خلاقیت به‌جای ترجمه‌گرایی. (۸۶/۶/۱۲) توجه به وام‌دار بودن علوم غربی از تجربه دانشمندان ایرانی-اسلامی. (۸۶/۶/۱۲) ترجمه غربی‌ها و استفاده آنها از آثار اسلامی. (۷۳/۶/۲۹) جوهر تمدن اسلامی از درون خودش بود نه از آثار ترجمه شده. (۷۳/۶/۲۹) رویکرد استفاده از تجارب دیگران (ترجمه) در کنار اجتهاد درونی. (۸۰/۲/۱۲)</p>	<p>استفاده از تجربیات تمدنی</p>	
<p>لزوم تقدم تولید بر ترجمه. (۸۱/۷/۳) تولید از لحاظ کمیت باید بر ترجمه فزونی بگیرد. (۸۱/۱۱/۱۶) فزونی تولید بر ترجمه و اجتهاد بر تقلید لازمه تمدن‌سازی. (۸۱/۱۱/۱۶) ماندن در ترجمه و عدم تولید نوعی مرعوبیت ننگ و آسیب زاست. (۸۲/۹/۲۶) لزوم تمرکز بیشتر بر تحقیق علمی و جلوگیری از ترجمه‌گرایی. (۸۶/۷/۹)</p>	<p>تقدم تولید بر ترجمه</p>	<p>راهبردهای ترجمه صحیح</p>
<p>لزوم ترجمه متقابل آثار ارزشی و قوی ما به زبان‌های خارجی (۹۲/۷/۱۵) لزوم ترجمه آثار خوب داخلی به دیگر زبان‌ها (۷۱/۴/۲۲) لزوم ترجمه آثار خوب و عرضه به جهان، ترجمه جاده یکطرفه نیست. (۹۱/۲/۱۷)</p>	<p>ترجمه متقابل</p>	
<p>تلاش برای پر کردن خلأهای جامعه با ترجمه مناسب و هزینه کردن در این راه. (۹۲/۹/۱۹) در نظر گرفتن خلأهای جامعه در انتخاب متن برای ترجمه. (۹۰/۴/۲۹) پر کردن خلأهای فکری جامعه. (۹۰/۴/۲۹) نباید خودمان را از ترجمه آثار خارجی محروم کنیم. (۷۱/۵/۵) ملت ما برای پیشرفت فرهنگی به ترجمه خوب نیاز دارد. (۷۱/۵/۵) نیاز به ترجمه در حوزه علمی. (۷۱/۵/۵) نیاز به ترجمه داستان و رمان‌های مفید. (۷۱/۵/۵) نیاز ترجمه آثار خوب در حوزه کودک با نظارت کافی بر سلامت آنها. (۷۱/۵/۵)</p>	<p>پر کردن خلأهای جامعه</p>	

<p>مقدس ندانستن و قابل نقد دانستن متون ترجمه شده از شروط آزاد اندیشی. (۸۱/۱۱/۸) لزوم ایجاد محیط آزاد اندیشی در مواجهه با ترجمه در محیط‌های دانشگاهی (۸۱/۱۱/۸) مخالف بودن آزاد اندیشی با ترجمه‌ای و تقلیدی فکر کردن. (۸۲/۸/۱۵) قابل خدشه دانستن متون ترجمه شده و وحی منزل ندانستن آن (۸۱/۱۱/۸)</p>	<p>ایجاد فضای آزاد اندیشی</p>	<p>راهبردهای ترجمه صحیح</p>
<p>غیرممکن بودن و عدم مطلوبیت جلوگیری از نشر افکار ترجمه شده. (۷۰/۱۲/۵)</p> <p>توجه دادن به سختگیری کشورهای غربی در نشر متون ترجمه شده در داخل کشورشان. (۹۲/۷/۱۵) مراقبت در مورد محتواهای ترجمه بعنوان کالاهای فرهنگی. (۷۱/۵/۵) لزوم طرحی برای رصد و نظارت بر جریان ترجمه در عین باز گذاشتن عرصه. (۹۲/۵/۱۵) مصلحت نبودن و عدم امکان جلوگیری از ورود افکار ترجمه شده غربی در دانشگاه‌ها. (۷۰/۶/۲۵) توجه به نکات کلیدی (که در القای مفهوم نقش اساسی دارند) در ممیزی کتب ترجمه شده به جای حساسیت‌های بی‌جا و کم‌اهمیت. (۷۰/۷/۲۸)</p>	<p>لزوم باز بودن عرصه در عین نظارت</p>	
<p>الگوپذیری از قرآن در بازگو کردن اندیشه مخالف؛ داشتن برهان قاطع و عقاید محکم. (۷۰/۱۲/۵) بازگو کردن اندیشه غیر - به همراه پاسخگویی باشد. (۷۰/۱۲/۵)</p> <p>لزوم داشتن ابتکار عمل در مواجهه با آثار ترجمه شده (۷۰/۱۲/۵) لزوم ارائه افکار هدایتگر به موازات نشر افکار نامناسب برای حفاظت از ذهن و اندیشه جوانان. (۷۶/۸/۱۹) لزوم ایجاد پادزهر و واکسینه کردن جوانان در برابر افکار ترجمه شده غربی. (۷۰/۶/۲۵)</p>	<p>ترجمه به همراه پاسخ به شبهات</p>	
<p>مطلوبیت اقتباس علمی در مقابل عدم مطلوبیت ترجمه محض. (۸۱/۷/۳) لزوم اقتباس. (۸۵/۸/۱۸) لزوم استفاده از نکات مثبت دیگر کشورها، در عین جلوگیری از تسلیم شدن در مقبل افکار و ایده‌های دشمنان. (۸۲/۹/۲۶)</p>	<p>مطلوبیت اقتباس</p>	<p>راهکارها</p>
<p>ترجمه آثار ارزشمند یک کار لازم است. (انتخاب درست) (۸۰/۸/۱۲) آسیب حوزه ترجمه انتخاب کتب نامناسب و بیگانه و حتی مخالف با فرهنگ خودمان. (۷۰/۷/۲۸) وظیفه ما؛ انتخاب و ترجمه متون مناسب. (۹۲/۹/۱۹)</p>	<p>انتخاب اثر مناسب</p>	
<p>لزوم توجه به ترجمه قوی و فنی کتاب‌هایی با محتوای خوب (۷۰/۷/۲۸)</p>	<p>ترجمه فنی خوب</p>	
<p>لزوم در متن حوادث بودن حوزه و پاسخ‌گویی سریع به افکار و فلسفه‌های ترجمه شده توسط حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی. (۷۰/۱۲/۱) غفلت حوزه‌های علمیه در برابر ترجمه متون فلسفی و روند مرجع شدن آن. (۸۲/۱۰/۲۹) لزوم توجه وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی به ترجمه‌ای نبودن محض محتواهای درسی. (۸۸/۶/۸) لزوم ورود نیروهای ارزشی به حوزه ترجمه (۷۰/۷/۲۸) بیانات در دیدار اعضای مجمع نویسندگان مسلمان.</p>	<p>متولی</p>	

۴. اهداف و زمینه‌های ترجمه علوم انسانی

علوم انسانی از این جهت که با فکر و اندیشه افراد سروکار دارد نقش حساس و تعیین‌کننده‌ای در حرکت، تعیین مسیر و مقصد جامعه خواهد داشت. همین مسئله سبب شده دو نوع تلاش عمده در عرصه ترجمه علوم انسانی شکل بگیرد که یکی زمینه داخلی و دیگری زمینه خارجی آن محسوب می‌شود.

۴-۱. اهداف و زمینه‌های خارجی

تلاش سرویس‌های جاسوسی غرب برای ترجمه سیستم تفکر غربی و مرجع قرار دادن آن در همه شئون زندگی مهمترین زمینه خارجی ترجمه است. در اصل دو مسئله موجب شد تا همت جبهه غرب بر گسترش علوم انسانی لیبرال در ایران بیش از پیش شود: اولین مسئله پیشبرد اهداف استعماری و سرمایه‌داری غرب در پوشش جدیدی به نام جهانی‌سازی است؛ از این منظر گسترش علوم انسانی لیبرال به مثابه نرم‌افزاری برای عملکرد بهتر سایر ملت‌ها در راستای تحقق اهداف سرمایه‌داری غرب طراحی شده و ارائه می‌گردد. مسئله بعدی پیدا شدن رقیبی به نام اسلام شیعی در ایران است. همانطور که هانتینگتون در نظریه برخورد تمدن‌ها نسبت به تقابل نهایی ایدئولوژی اسلام و غرب هشدار داده بود. دمارانش در توصیف این خطر آن را مقدمه جنگ جهانی چهارم بر می‌شمارد و چنین می‌نویسد: «در این مهلک‌ترین «جنگ عقیدتی تاریخ» که دورنمای عینی «پایان تمدن غربی» را به ما نشان می‌دهد، چیزی هولناک‌تر از گلوله آتش‌زای «امام خمینی» وجود ندارد. ممکن است همه جا طعمه این حریق شود.» (فضلی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

(امثال این پیش‌بینی‌ها سبب شده که جبهه‌ای تا دندان مسلح به نام علوم انسانی مدرن در برابر اسلام شیعی صف بکشد و با ابزار ترجمه برای نابودی این تفکر تلاش کند. آنها این اهداف را از مجراهای مختلف به صورت عملی و با القای ژست روشنفکری به حامیان این تفکر در داخل کشور پیگیری می‌کنند. به طور مثال رهبر معظم انقلاب در سخنانی یکی از علل روی آوردن به ترجمه متون فلسفی را رقیب‌سازی برای فلسفه اسلامی ذکر می‌کنند. (۸۲/۱۰/۲۹)

در دهه ۱۳۴۰ دو مرکز بزرگ ترجمه در ایران فعال بودند: یکی بنگاه ترجمه و نشر کتاب که تحت نظارت دربار شاهنشاهی و زیر سلطه بهایی‌هایی مانند احسان یارشاطر قرار داشت و دیگری یک

شرکت انتشاراتی آمریکایی به نام مؤسسه فرانکلین بود. این مؤسسه را که همایون صنعتی زاده یکی از کارگزاران برجسته ام.آی.سیکس^۱ و سیا^۲ در تهران تأسیس کرد، از بودجه مستقیم دولت آمریکا تغذیه مالی می شد و با لژهای فراماسونری پیوندهایی استوار برقرار ساخت؛ اساسنامه فرانکلین صراحتاً وظیفه اصلی آن را «گسترش فلسفه و ادبیات آمریکایی در ایران» ذکر کرده بود. (فضلی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۸۶)

پس از انقلاب اسلامی نیز شاهد یک جریان روشنفکری با تفکر سکولار بودیم که حرف‌هایشان را از طریق ترجمه آثار فرهنگی در جامعه منتشر کردند، مثلاً در زمان جنگ عده‌ای که می‌خواستند مردم و جوانان را از جبهه منحرف کنند، آثاری کار کردند که جبهه و جنگ را منفور و بد جلوه داد یا برخی کتاب‌هایی ترجمه کردند که تفکر مسیحی را می‌کوبید؛ اما در واقع به کوبیدن تفکر دینی به صورت کلی مبادرت داشت. (حداد عادل، ۱۳۹۲). رهبر انقلاب در مثالی از چنین واقعیاتی پرده بر می‌دارند: «کسانی، همین کتاب امیل زولا را در بحبوحه جنگ ترجمه کردند، برای این که چهره خسته یک سپاه شکست خورده را نشان دهند! (آن زمان حدسم این بود. شاید سوءظن بوده و ان شاء الله واقعیت نداشته است.) برای شکستن روحیه مردم ما در جنگ، مخالفین جنگ، علیه جنگ رمان بلند نوشتند!» (۷۲/۶/۲۹) در زمان جنگ تحمیلی و دوره رکود بازار روشنفکری ایران، مترجمان سکولار تلاش خود را بر ساختن یک «ساختمان فکری» جدید معطوف ساختند. (فضلی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۸۳). آنها می‌کوشیدند تا فیلسوفان یهودی مانند هانا آرنه، سرکارل پوپر، سرآیزابریلین، ریمون آرون، توماس کوهن و... را که بزرگترین فیلسوفان سیاسی و کارگزاران سرویس‌های جاسوسی لیبرال برای بی.اس.پی^۳ بودند، را به مرجعی برای «نخبگان دانشگاهی» و «روشنفکران دینی» تبدیل کنند. تحلیلگران سیا^۴ معتقد بودند:

اگر قرار است که پرائتز سیاه «توتالیتاریسم اسلامی» در ایران بسته شود، جامعه مدنی ایران نیازمند آموختن از تجربه و اندیشه فرزانه‌گانی چون «هانا آرنه»، «کارل پوپر»، «ریمون آرون» و «اسلاو هاول» و... است که اندیشه و عمل‌شان در شکست توتالیتاریسم (استبداد) نقش بسیار مهمی داشت (فضلی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۸۰).

1. mi6

2. cia

3. Bsp

4. cia

وجه امتیاز استفاده از ترجمه برای گسترش تفکر سکولار در این است که بدون اینکه تقصیری را متوجه مترجم یا انتشارات بکند، به بهترین وجه افکار سکولار را به جامعه معرفی کرده و با رویکردی ظاهراً بی‌طرفانه تأثیر آن را بر دانشمندان و متفکران داخلی به نظاره می‌نشیند. در این سیستم مترجم با حفظ جایگاه علمی و شأن روشنفکری خود - برخلاف مؤلف اثر - در برابر کوچکترین انتقادی قرار نمی‌گیرد. مترجم در این سیستم تبدیل به چرخ کوچکی از وقایع مهم می‌شود که بدون اینکه دیده شود بیشترین تأثیرگذاری را خواهد داشت.^۱

۴-۲. اهداف و زمینه‌های داخلی

در این مواجهه تلاش دانشمندان و متفکرین بومی برای تعامل صحیح فرهنگی و اخذ بهترین اندیشه‌ها به چشم می‌خورد که بهترین نمونه آن را در پایان نهضت ترجمه آ‌شاهدیم. در این نهضت اندیشمندان مسلمان در آغاز کار خود با رویکردی حداکثری و با کمترین محدودیت به ترجمه آثار روی آوردند و تمام توان خود را معطوف به ترجمه هرچه بیشتر علوم مختلف کردند. ترجمه علوم انسانی نیز از چنین رویکردی مستثنی نبود. اما از عصر فارابی حجم ترجمه کاهش یافته و از این زمان دوره شرح و تفسیر و تحشیه بر این متون آغاز می‌گردد. اولین گام را در این راه، کندی فیلسوف عرب برمی‌دارد و گام دوم و اساسی را ابونصر فارابی برمی‌دارد. (مهاجرنیا، ۱۳۸۰: ۵۴). از این زمان به بعد علاوه بر اینکه نگاه به ترجمه نگاهی گزینشی می‌شود نقد و تحشیه و شرح متون ترجمه شده نیز قوت می‌گیرد.

۱. ایتالو کالوینو: من در واقع باید یک «مجری» باشم؛ مهره ای در یک «بازی پیچیده»، چرخ کوچک یک سلسله «وقایع مهم». آن قدر کوچک که دیده نشود؛ به هر حال مقدر شده که باید بی اینکه دیده شوم از اینجا بگذرم، اما حالا برعکس شده. هر لحظه که از اینجا می‌گذرم، دیده می‌شوم! (فضلی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۹)

۲. در تاریخ اسلام از زمان روی کار آمدن عباسیان شاهد رویکردی فعال نسبت به مقوله ی ترجمه هستیم. در این زمان از یک سو آرامش نسبی و رفاه پس از فتح سرزمین های جدید موجب روی آوردن به علم و علم آموزی شد و از سوی دیگر، کنار هم قرار گرفتن صاحبان ادیان مختلف از نواحی مختلف در کنار یکدیگر و تحت لوای یک حکومت واحد موجب چالش های عمیق اعتقادی و کلامی و تضارب آرا شد. مترجمان زیادی در این دوره فعال شدند تا علوم مختلف موجود در کشورهای تازه مسلمان را به زبان عربی ترجمه کنند و از این منظر با مبانی اعتقادی و اندیشه های دیگران آشنایی بیشتر و عمیق تری پیدا کنند. در این عرصه علمای فاضل و دانشمندان زیادی فعال بودند که گروهی از آنها نیز به ترجمه و تألیف همزمان می‌پرداختند. (صفا، ۱۳۵۴: ۱-۶)

در کشور ما ترجمه متون به دو دلیل چنین روندی را طی نکرد: اول اینکه این بار سرویس‌های جاسوسی غربی مشوق و حتی مجری و آغازگر اصلی ترجمه متون در ایران بودند و اهداف خاصی را پیگیری می‌کردند. از سویی دیگر، در آغاز کار مذهبی‌ها و متدینین به دلیل بدبینی به جریان موجود علاقه و گرایش به آموختن زبان خارجی نشان نمی‌دادند و به سراغ علوم جدید نمی‌رفتند، این تصور بین مردم متدین وجود داشت که رفتن به مدرسه‌های جدید و خارج باعث انحراف و گمراهی است (حداد عادل، ۱۳۹۲). همین تفکر عرصه را برای فعالیت هرچه بیشتر و آزادتر مترجمان سکولار به دور از نظارت علمای اسلام باز کرد. البته پس از انقلاب شاهد رویکرد جدیدی در میان عالمان مسلمان نسبت به فراگیری زبان خارجی و یا اهتمام به شناخت و پاسخ‌گویی به اندیشه‌های مطرح شده در متون ترجمه شده هرچند بسیار محدود بودیم. از نمونه‌های درخشان آن می‌توان به فعالیت‌های روشنگرانه شهید مطهری اشاره کرد. مواجهه علامه طباطبایی با تفسیر المنار^۱ یا نحوه نگارش کتاب اصول فلسفه و رئالیسم^۲ ایشان، همچنین تحشیه علامه جعفری بر متون ترجمه شده حوزه جامعه‌شناسی^۳ نیز از این سنخ است. همت اندیشمندان و متفکران کشور برای بهره‌گیری از علوم انسانی ترجمه شده و مواجهه صحیح با آن گرچه در نسبت بسیار کم بوده؛ اما الگوهای ارزشمندی را ارائه داده است که باید مورد توجه قرار گرفته و در سطح وسیع تکثیر گردد. در ادامه دیدگاه فارابی در زمینه ترجمه بعنوان یکی از پیشگامان این عرصه بررسی خواهد شد.

۱. معروف‌ترین و غنی‌ترین کتاب علامه یعنی المیزان ناظر به شبهاتی است که از طرف بعضی از نویسندگان اهل سنت خصوصاً رشید رضا در کتاب «المنار» طرح شده است. رشید رضا از شاگردان شیخ محمد عبده در المنار، القانات و مطالبی دارد و معمولاً به شیعه می‌تازد، البته تفسیر آنها کامل نبوده و بنابراین تا زمانی که این شبهات بوده بخش المیزانی که به این شبهات پاسخ می‌دهد حجم‌تر از بقیه المیزان است (رستم نژاد در گفتگو با خبرگزاری مهر).

۲. در مقدمه کتاب اصول فلسفه رئالیسم علل روی آوردن به چنین موضوعی مقابله با ترجمه متون مارکسیستی که میان جوانان فراگیر شده عنوان می‌شود. ایشان کتاب اصول فلسفه رئالیسم را با استفاده از ترجمه مستقیم متون مارکسیستی به رشته تحریر درآوردند.

۳. ایشان علاوه بر بررسی مستقیم اندیشه‌های دانشمندان غربی در کتب مستقل همچون «بررسی و نقد نظریات هیوم در چهار مسئله فلسفی»، «نقد و بررسی برگزیده افکار راسل»، «بقاء در قرن بیست و یکم (نقد و بررسی بیانیته وانکوور)» «توضیح و بررسی مصاحبه برتر اندراسل - وایت» به نقد و بررسی و حاشیه‌زدن بر کتاب‌های ترجمه‌شده‌ای همچون؛ «جامعه‌شناسی ادیان» و «سرگذشت اندیشه‌ها» پرداختند.

۴-۲-۱. ابونصر فارابی

فارابی در جامعه‌ای می‌زیست که میدان برخورد بزرگ‌ترین فرهنگ‌های جهان آن دوران بوده است. همین امر سبب شد که او در حوزه تعاملات میان فرهنگی تأملات عمیق و نظریات قابل توجهی داشته باشد. در نهضت ترجمه فارابی جزو اولین افرادی بود که به شرح، تحشیه و تعلیقیه نویسی^۱ بر متون ترجمه شده پرداخت. او معتقد بود که ما در مواجهه با آثار برون‌زا باید رویکرد تهذیبی داشته باشیم. به این معنا که با مواجهه‌ای فعال و استدلالی نظریه‌های ناسازگار با مبانی دینی را کنار نهاده و نظریه‌های سازگار را شناسایی و بومی کنیم. از دید وی در هر فرهنگی دو لایه زیربنای فلسفی و روبنای ظاهری وجود دارد و همین لایه‌ها سه نوع جامعه را به وجود می‌آورد:

۱. جوامعی که فاقد فرهنگ و لایه زیرین فلسفی هستند.

۲. جوامعی که دارای لایه روبنا و زیربنای ناقص یا فاسد هستند.

۳. جوامعی که دارای روبنا و زیربنای مستدل و کاملاً صحیح می‌باشد.

فارابی انتقال فرهنگ‌های فاسد و جدلی را به جامعه‌ای واجد فرهنگ و فلسفه صحیح و برهانی چنین ترسیم می‌کند که در بدو امر اغتشاش فرهنگی رخ می‌دهد و رفع خطر تنها به دست خواص آن جامعه است که بتوانند فلسفه جدلی و فرهنگ زائیده از آن را به سوی فلسفه و فرهنگ برهانی بکشانند. اگر چنین اقدامی از طرف خواص صورت نگیرد تمام ارزش‌های موجود در آن سنت از اعتبار ساقط می‌گردد، عقاید افراد متزلزل می‌شود و برای اعضای آن جامعه حالت شک و حیرت و بدگمانی و بی‌اعتمادی به آنچه که داشته و دارد حاصل می‌شود. (فلاطوری، ۱۳۵۴: ۶۷-۷۳).

اقدامی که فارابی آن را کشاندن فرهنگ جدلی به فرهنگ استدلالی می‌داند، متضمن دو

مفهوم است:

۱. قائل بودن به وجود حقیقت واحد به عنوان معیاری برای سنجش اندیشه‌ها،

۲. لزوم مواجهه منطقی و مستدل با گزاره‌های جدید.

۱. تعلیق به تحشیه تفاوت زیادی ندارند، مگر اینکه برخلاف حاشیه که بدون متن اصلی هویتی ندارد. تعلیق هویت مستقل تری دارد.

آنچه امروز به عنوان پلورالیسم مطرح می شود و سعی در گسترش آن هست حربه‌ای در برابر مواجهه منطقی و مستدل با گزاره‌های علمی جدید است.

فارابی در عمل نیز مواجهه صحیح با اندیشه‌های برون‌زا را به تصویر می کشد، او تقریباً بیش تر کتاب‌های افلاطون و ارسطو که در بیت‌الحکمه بغداد ترجمه شده بود را از نظر می گذراند و بر بسیاری از آنها شرح می نویسد. به طوری که در همان عصر به معلم ثانی مشهور می شود (مهاجرنیا، ۱۳۸۰: ۵۴) مورخان و تذکره‌نویسان نوشته‌اند که فارابی تعلیقاتی بر کتب ارغنون، طبیعت و کتاب علم کائنات، وجود و مابعدالطبیعه و اخلاق ارسطو نوشته است (داوری اردکانی، ۱۳۷۴: ۲۴). او همچنین کتابی در شرح قاطیغوریاس و کتابی در شرح بار ارمیناس ارسطو نوشت (داوری اردکانی، ۱۳۷۴: ۶). همچنین شرحی بر کتاب «ایساغوجی فرفیدس»^۱ نوشته است. فارابی در برخی آثار مانند احصاءالعلوم و فلسفه ارسطو متعرض بعضی مطالب منطقی هم شده است. (داوری اردکانی، ۱۳۷۴: ۲۵) وی همچنین اخلاق نیکو ماخس و درست بگویم قطعه‌ای از اخلاق ارسطاطالیس را تفسیر کرده است (داوری اردکانی، ۱۳۷۴: ۸۲).

۵. جریان معاصر مواجهه با ترجمه علوم انسانی

پس از بیان خلاصه‌ای از وضعیت ترجمه و اهداف آن در ایران، این سؤال مطرح می شود که نحوه مواجهه با این آثار در شرایط کنونی چگونه است؟ همان طور که بیان شد پس از انقلاب بحث ممیزی کتاب قوت گرفت و قوانینی برای نظارت بر چاپ کتاب (چه کتب تألیفی و چه آثار ترجمه شده) به وسیله شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد. در این قوانین ممیزی (بررس) باید طبق شاخص‌هایی به بررسی و ارزشیابی اثر بپردازد. پس از این مرحله چاپ کتاب با یکی از عناوین «بلامانع» «مشروط» «غیرمجاز» مشخص می گردد. (شرف الدین، ۱۳۸۶: ۹).

۱. شرح کتاب ایساغوجی فرفیدس. چاپ دنلپ ۱۹۵۶. برخی دیگر از آثار وی:

- شرح کتاب معقولات، چاپ دنلپ ۱۹۵۸
- تعلیقات انالوطبقا الاولی ارسطو (شرح القیاس و العبارة) چاپ تورکو آنکارا ۱۹۵۸
- الکتاب جمع بین الرای حکمین افلاطون الهی و ارسطاطیس چاپ بیروت ۱۹۶۰
- الرد علی جالینوس
- فلسفه ارسطو
- فلسفه افلاطون

به صورت کلی آنچه مشمول ممیزی و حذف قرار می‌گیرد، در سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

- دسته اول طیفی از موضوعاتی همچون ترویج سبک زندگی غیراخلاقی، ترویج روابط خارج از شرع و عرف هستند. ۲. دسته دیگر، کتاب‌هایی هستند که دارای موارد (مشکلات) سیاسی هستند، مانند کتاب‌هایی که مروج تجزیه‌طلبی، تفرقه بین اقوام و... هستند. ۳. دسته دیگر، کتاب‌هایی هستند که موارد دینی دارند (از لحاظ دینی مشکل دارند)؛ مثل کتاب‌های که با عنوان دین، به ترویج خرافات می‌پردازند. (تشریح نحوه ممیزی کتاب در وزارت ارشاد، سایت فرارو)^۱

۱. طبق مصوبه ای که در ۱۶ ماده و ۱۴ تبصره در جلسه ۶۶۰ مورخ ۸۹/۱/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید موارد زیر مشمول ممیزی قرار می‌گیرند:

الف- دین و اخلاق

۱- تبلیغ و ترویج الحاد و اباحه‌گری، انکار یا تحریف مبانی و احکام اسلام و مخدوش کردن چهره شخصیت‌هایی که از نظر دین اسلام محترم شمرده می‌شوند و تحریف وقایع تاریخی دینی که مآلاً به انکار مبانی دین منجر شود.

۲- توهین به مقدسات دین مبین اسلام و تبلیغ علیه تعالیم اصول و مبانی آن

۳- ترویج و تبلیغ ادیان، مذاهب و فرقه‌های منحرف و منسوخ، تحریف شده و بدعتگذار تبصره- معرفی ادیان و مذاهب و بیان احکام یا تحقیق درباره آنها با رویکرد علمی و غیر تبلیغی مستثنی است.

۴- ترویج خرافات و مخدوش کردن چهره اسلام

۵- بیان جزئیات مراودات جنسی، گناهان، کلمات رکیک و مستهجن، به نحوی که موجب اشاعه فحشا شود تبصره- بیان مراودات جنسی یا مفاسد با زبانی عقیف و غیرمحرک به منظور آموزش، انتقال پیامی مثبت یا نشان دادن چهره شخصیت‌های منفی، از حکم این بند مستثنی است

۶- استفاده از جاذبه جنسی و تصاویر برهنه زنان یا مردان با عنوان آثار هنری یا هر عنوان دیگر.

تبصره- استفاده از تصاویر و طرح‌های علمی در کتابهای تخصصی و علمی، بلا مانع است.

۷- انتشار تصاویر به نحوی که موجب اشاعه فحشا شود؛ نظیر رقص، مشروب‌خواری و مجالس فسق و فجور. تبصره- چاپ تصاویر مجالس فسق و فجور عناصر حکومت پهلوی یا ضد انقلاب برای استناد تاریخی با رعایت عفت عمومی، مستثنی است.

۸- ترویج مادی‌گرایی فلسفی و اخلاقی و سبک‌های زندگی مخالف ارزش‌های اسلامی و اخلاقی.

۹- خشن جلوه دادن چهره اسلام و مسلمانان واقعی.

ب- سیاست و اجتماع

۱- توهین، تخریب یا افترا به امام خمینی (ره) و رهبری، رئیس‌جمهور، مراجع تقلید و تمام افرادی که حفظ حرمت آنها شرعاً و یا قانوناً لازم است.

۲- تبلیغ علیه قانون اساسی و انقلاب اسلامی و معارضه با آنها.

۳- برانگیختن جامعه به قیام علیه نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی.

۴- ترویج گروه‌های محارب و عناصر ضد انقلاب و تروریست و نظام‌های لائیک و سلطنتی و خاندان پهلوی و تطهیر چهره‌های منفی آنان.

تبصره - طرح و نقل افکار و گفتار و مواضع فکری و علمی مخالفان انقلاب و نظام برای بررسی محققانه و عالمانه آرا و اندیشه‌های آنها منعی ندارد.

۵- تبلیغ و ترویج وابستگی به قدرت‌های سلطه‌جو و ضدیت با استقلال کشور.

۶- تبلیغ علیه منافع و امنیت ملی و ناکارآمد جلوه دادن نظام جمهوری اسلامی.

همان طور که مشاهده می شود بسیاری از این بندها (همچون عدم وجود برخی تصاویر و واژه های غیراخلاقی و منافی عفت) و (بیان جزئیات مراودات جنسی، گناهان، کلمات رکیک و مستهجن، به نحوی که موجب اشاعه فحشا شود) تنها ناظر به لایه رویین فرهنگ هستند.

برخی نیز کاملاً مبهم و کلی عنوان شده اند و شناخت آن ها به راحتی صوت نمی گیرد. برای مثال «ترویج الحاد و لابیگری» یا «ترویج مادی گرایی فلسفی و اخلاقی» سخنانی بسیار کلی و ذومراتبند. این سؤال پیش می آید که تا چه مراتب آن پذیرفته شده است و تا چه مراتبی خیر؟ و جواز نشر این مراتب بر چه مبنایی صادر می شوند؟ زمانی که یک فرهنگ بر پایه مادی گرایی فلسفی و اخلاقی بنا شده است آیا محصولات آن از این اندیشه قابل تفکیکند؟

آیا زمانی که از «ممنوعیت تبلیغ و ترویج وابستگی به قدرت های سلطه جو و ضدیت با استقلال کشور» سخن به میان می آید این ممیزی شامل کتبی که الگوهای توسعه غربی را معرفی می کنند و شاخص های توسعه برای کشورهای جهان سوم را مشخص می کنند می شود یا خیر؟

تبصره- بیان نارساییها و اشکالات در جمهوری اسلامی برای نقد و بررسی و شناخت دقیق تر مسائل و دستیابی به راه حل های مناسب و بیان مستدل و اصلاح طلبانه مشکلات و دور از توهین و افترا بلا مانع است.
۷- اخلال و تشکیک در وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور و ایجاد آشوب، درگیری و اختلاف میان اقوام و مذاهب.

تبصره- چاپ کتاب های علمی و استدلالی عقیدتی که محرک احساسات منفی و بر هم زننده اساس وحدت در میان اقوام و فرق مختلف کشور نباشد، اشکالی ندارد.

۸- تضعیف و تمسخر افتخارات ملی، حس وطن دوستی و توانایی های علمی و عملی مردم ایران، فرهنگ خودی و اقوام ایرانی.

تبصره- نقد و نفی آداب و سنن غلط و انحرافی به قصد اصلاح و بدون شائبه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و استعماری منعی ندارد.

۹- ترویج و تبلیغ روحیه خودباختگی در برابر فرهنگ و تمدن بیگانه و القای حس عقب ماندگی.

۱۰- تبلیغ صهیونیسم و انواع دیگر نژاد پرستی.

۱۱- تحریف وقایع مهم و مسلم تاریخی ایران و اسلام

ج- حقوق و فرهنگ عمومی

۱- توهین و تمسخر زبان، فرهنگ و هویت اقوام و اقلیت های دینی و قومی

۲- ترویج و تبلیغ قانون گریزی، بی بندوباری و لابیگری

۳- تبلیغ علیه خانواده و تضعیف و تخریب ارزش و جایگاه آن

۴- ترویج ناامیدی، سرخوردگی، پوچی و بیهودگی و نگرش های منفی در جامعه و افزایش بی اعتمادی عمومی.

۵- تحقیر و تمسخر اقشار مختلف جامعه

۶- ترویج و تبلیغ جریان ها و اشخاص فاسد و منحرف فرهنگی و هنری داخلی و خارجی

۷- افشای غیرقانونی اسناد طبقه بندی شده کشوری و لشکری

۸- تخریب هویت زبان ملی (گزارش فارس)

یا زمانی که سخن از «تبلیغ علیه خانواده و تضعیف و تخریب جایگاه آن» به میان می‌آید آیا رمان‌های خیانت محور و یا آثار فمنیستی مشمول ممیزی قرار می‌گیرند یا خیر؟
وقتی «ترویج خودباختگی در برابر تمدن غرب و القای حس عقب‌ماندگی» یا «سبک‌های زندگی مخالف ارزش‌های اسلامی و اخلاقی» مطرح می‌شود آیا کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی که به ترسیم سبک زندگی غربی به صورت مدینه فاضله می‌پردازند در این جرگه قرار نمی‌گیرند؟ همان طور که مشاهده می‌شود این الگوها و قوانین در مواجهه با آثار ترجمه شده علوم انسانی اجرایی به نظر نمی‌رسند و از همین رو کارآمدی‌شان جای شبهه است. البته خود مسئولین امر نیز به این قضیه اذعان دارند. دکتر علی زارعی نجف دری؛ مدیرعامل (وقت) انتشارات علمی و فرهنگی در این زمینه می‌گوید: «...آن چه امروز در جامعه ما به عنوان ممیزی انجام می‌شود، خلاصه شده است به چند کلیدواژه. این کلیدواژه‌ها و کتاب را به کامپیوتر می‌دهند و اگر در یک کتاب، این کلیدواژه‌ها وجود داشته باشد، باید اصلاح شود و اگر وجود نداشته باشد، می‌گویند اشکالی ندارد. در حالی که ممیزی اصلاً این نیست. روند فعلی در واقع بخش بسیار نازلی از ممیزی است.» (فصلنامه نقد کتاب، ۱۳۹۳).

۶. تفاوت عمده ممیزی آثار داخلی و ترجمه شده

در بررسی قوانین ممیزی ممکن است این نکته به ذهن متبادر شود که تفاوتی میان ممیزی آثار داخلی و خارجی نیست. مهمترین تفاوت آثار داخلی و آثار ترجمه شده نوع بیان آنهاست، رمزگذاری آثار ترجمه شده متناسب با فرهنگ مبدأ صورت گرفته و برای رمزگشایی آن نیاز به دقت و تخصص بیشتری است. چرا که بهترین رمزگشایی از هر متن در فرهنگی که از آن برخاسته، صورت می‌پذیرد.

چارچوب‌ها و معیارهای مشخص شده به وسیله شورای عالی انقلاب فرهنگی ناظر به رمزگذاری در بستر فرهنگی ایران تدوین شده است و در بسیاری از موارد تطبیق آن‌ها با آثار خارجی دشوار خواهد بود. اگر بنا باشد میان معیارهای ممیزی آثار داخلی و خارجی تفاوتی نباشد، آنگاه بسیاری از آثار ترجمه شده غیرقابل انتشار خواهند بود. سهل‌گیری بیشتر نسبت به آثار ترجمه شده اولین راه‌کاری است که در این مواجهه به ذهن متبادر می‌شود. اما آیا بهترین راه نیز هست؟

تفاوت بعدی این دو در دسترس بودن مؤلف اثر داخلی و قابلیت مفاهمه متقابل میان ممیز و مؤلف است. در مواجهه با آثار ترجمه شده هیچ راهی برای اصلاح متن توسط مؤلف وجود ندارد و چاره نهایی حذف است. اما در مواجهه داخلی فرد می‌تواند با اصلاحاتی اثر خود را قابل چاپ نماید. یا برخی توضیحات را به‌منظور روشن‌تر شدن ابعاد قضیه به متن اضافه نماید. بنابراین الگوی ممیزی و مواجهه با آثار بومی و بیگانه متفاوت خواهد بود.

۷. در جست و جوی الگوی مطلوب ممیزی

بنا به آنچه گفته شد اصولی مانند: ۱. اصل لزوم هدایت جامعه و فرهنگ به سوی باورها و ارزش‌های توحیدی و اجتناب از گرایش به مضامین فرهنگی مخالف آن، ۲. توجه به اصل روشی اقتناع عقلی و معرفتی مخاطب، ۳. اصل ضرورت مدیریت و نظارت فرهنگی بر جریان‌های فکری و فرهنگی جامعه در مسیر رشد و تعالی. در ممیزی کتاب‌های ترجمه شده باید مدنظر قرار گیرند؛ حالا باید دید که در برخورد با متون علوم انسانی بیگانه و عمدتاً غربی «عملاً» چه گزینه‌هایی در پیش رو داریم:

۱. عدم ترجمه و انتشار و بستن مرزهای فکری (مشابه آنچه در نظام‌های کمونیستی مرسوم بود).
 ۲. انتشار حداکثری و سهل‌انگارانه به‌نام آزادی بیان و اندیشه، و احترام به اختیار افراد و باصلاح سپردن ممیزی به مردم.
 ۳. ترجمه و انتشار برخی از آثار موجود و در صورت لزوم حذف قسمت‌هایی از اثر و چاپ باقی آن.
 ۴. ترجمه و انتشار گزیده آثار به پیوست نقد و بررسی عالمانه آن اثر.
۱. پر واضح است که حذف کامل این اندیشه‌ها و جلوگیری از ورود آن به داخل کشور باگسترش ابزارها و ارتباطات جدید محال است و به همین دلیل شاید حتی مطلوب هم نباشد. رهبر انقلاب می‌فرماید: «آن قدر سخن نو، حرف فکری‌برانگیز و حواس جذب‌کن در دنیا وجود دارد که با رادیوها و کتاب‌ها و ترجمه‌ها به این جا می‌آید؛ نمی‌شود که من و شما هر یک خطی که در جایی نوشته شد یا گفته شد، فوراً عزا بگیریم و جنجال راه بیندازیم که فلان کس فلان چیز را ترجمه کرده یا فلان چیز را گفته است؛ گفته باشد؛ فکر است، مگر می‌شود هر کس حرف جدیدی زد، ما بگوییم:

«شما مخالفید، شما ضدید، این مطلب را نگویند» (۷۰/۱۲/۵) ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «افکار فلاسفه و نویسندگان و متفکران مادی غرب، امروز در سطح دانشگاه‌های ما، به صورت کتاب و ترجمه وجود دارد. نمی‌شود سدی درست کرد که این‌ها وارد نشوند؛ این امکان ندارد و مصلحت نیست. افکار باید بیایند و حضور داشته باشند...» (۷۰/۶/۲۵) از سوی دیگر بنا به برخی مصالح نیاز است که تعدادی از متون در داخل کشور ترجمه شود و مورد استفاده قرار گیرد:

الف) از باب مسأله یابی؛ نظریه‌ها پاسخ به مسائل هستند، گاهی آن مسائل در جامعه اسلامی هم وجود دارد و افراد از آن غافلند. با پی‌بردن به بسترهای اجتماعی نظریات و اندیشه‌ها می‌توان در مسأله‌یابی موفق‌تر عمل کرد.

ب) از باب اصلاح ساختارها؛ برخی نظریات غربی به صورت ناخودآگاه و حتی ناقص وارد سیستم تصمیم‌گیری جامعه شده است و به صورت اتوماتیک عمل می‌کنند. برای شناخت آسیب‌های احتمالی این تصمیمات و اصلاح آن، اندیشه‌های مذکور باید مورد بررسی و مذاقه قرار گیرند.

۱۴۹

ج) از باب انتخاب بهترین شیوه تعامل؛ تعامل روز افزون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملل مختلف - به خصوص در ابعاد کلان - شناخت اندیشه‌های متقابل را برای برنامه‌ریزی بهترین مواجهه ضروری می‌نماید. از همین منظر در ابعاد خرد، ارتباط جوامع با یکدیگر سبب به‌وجود آمدن شبهات و سؤالات جدیدی شده است که باز هم شناخت افکار مقابل را ضروری می‌کند.

د) از باب علم‌آموزی؛ مواجهه با بسیاری از این علوم می‌تواند از باب تعلم باشد همان‌گونه که فارابی افلاطون و ارسطو را معلمان خود می‌داند و همان‌گونه که در منابع اسلامی با روایاتی چون «اطلبوا العلم ولو بالصین» روبرو می‌شویم. اما باید توجه داشت که چنین مواجهه‌ای اقتضانات خاص خود را دارد، رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرمایند: «علم ترجمه‌ای محض خوب نیست؛ مگر به‌عنوان یک وسیله. ما نباید دچار ترجمه شویم. علم و فرهنگ ترجمه و سیستم‌ها و روش‌های ترجمه‌ای، درست نیست... ما به عنوان یک ملت با استعداد، باید علم‌آفرینی کنیم... (۸۲/۲/۲۲) «تا وقتی که «تولید» بر ترجمه و تکرار و نیز «اجتهاد» بر تقلید، فزونی نیابد، سیر جوامع اسلامی همچنان قهقرائی خواهد ماند و امت اسلام و ملت ایران علیرغم همه فداکاری‌ها در صحنه تمدن، فرو دست خواهند بود.» (۸۱/۱۱/۱۶) ایشان با طرح این سؤال که «این تمدن اسلامی چگونه به‌وجود

آمد؟» پاسخ می‌دهند: «برخی می‌گویند از آثار ایران گرفتند و برخی معتقدند که از آثار روم گرفتند. اما این حرف‌ها، حرف‌های جاهلانه و بچگانه است. حال فرض کنیم که ده عنوان کتاب از جایی ترجمه کردند، آیا با این ده عنوان کتاب، تمدن درست می‌شود؟ آیا تمدن اسلامی با ترجمه آثار یونانی و رومی و هندی درست شد؟ نه. جوهر تمدن اسلامی، از درون خودش بود.» (۷۳/۶/۲۹)

ه) از باب واکسینه کردن مخاطب؛ معرفی اندیشه‌های برون‌زا و بررسی شبهات مطرحه، پاسخگویی به آن و در نهایت واکسینه کردن مخاطب در برابر پیام‌های معارض هدفی است که بهترین نمونه آن را در قرآن کریم و سیره معصومین می‌توان یافت. قرآن کریم به صراحت اندیشه کفار را مطرح می‌سازد و حتی استدلال‌هایشان را ارائه می‌کند آنگاه به پاسخ‌گویی می‌پردازد - در حالی که کفار و مشرکینی که این شبهات را مطرح نموده اند در زمان و مکانی متفاوت از مخاطب عام قرآن می‌زیسته‌اند - خداوند از این گذرگاه نه تنها پاسخ این سؤالات را در طول تاریخ می‌دهد، بلکه بواسطه «انتقال دوسویه پیام»، مخاطب مسلمان را در برابر هجوم این شبهات و اندیشه‌ها واکسینه می‌کند. فلسفه این رویکرد در کلام گهربار امام علی (ع) به فرزندشان چنین عنوان می‌شود: «از آن ترسیدم که مبدا رأی و هوایی که مردم را دچار اختلاف کرده است و کار را برای آنها مشتبه ساخته بر تو نیز هجوم آورد، گرچه آگاه کردن تو را نسبت به این امور خوش ندانستم؛ اما آگاه شدن و استوار ماندن را ترجیح دادم تا تسلیم هلاکت اجتماع نگردی.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

با توجه به آیات و روایات در این نوع مواجهه باید چند نکته مدنظر قرار بگیرد:

الف) ارائه اندیشه‌های معارض به تنهایی مطلوب نیست، بلکه باید به همراه پاسخ متقن انجام

گیرد.

ب) اندیشه‌هایی مشمول این نوع مواجهه می‌شوند که ویژگی‌های خاصی داشته باشند. به‌طور

مثال فراگیری و عمومیت یک اندیشه یا اهمیت بالای موضوع نقش تعیین‌کننده‌ای در طرح مجدد

آن در جامعه و پاسخگویی عمومی به آن دارد.

۲. انتشار بدون قید و بند و ممیزی اگرچه در شعار زیبا به نظر می‌رسد؛ اما نه عاقلانه است و نه هیچ نظامی در جهان آن را پذیرفته است.^۱ قوانین مختلفی برای ممیزی در سراسر جهان وجود دارد که بسته به شرایط متفاوت است.

۳. گزینش برخی آثار و چاپ آن و رد برخی دیگر نیز برای عده‌ای به معنای تأیید و باز کردن مسیر برای پذیرش تمامیت اندیشه مذکور خواهد بود. در حالی که ممکن است اثر مورد نظر - که از ممیزی گذشته و چاپ شده - در کنار قوت‌های فراوان ضعف‌های عمیقی هم داشته باشد. سانسور به معنای بریدن قسمتی از متن یا تغییر یا حذف برخی واژه‌ها هم (هرچند در برخی موارد ضروری است)، اما طبیعتاً به تنهایی موجب عدم انتقال فکر اصلی و اندیشه مرکزی اثر نخواهد شد.

۴. و اما انتشار گزیده آثار به همراه نقد عالمانه آن؛ نوروزی (۱۳۷۷) در نقد ممیزی می‌گوید «برخی دولت‌ها فرهنگی غیر فرهنگ مورد قبول خود را بر نمی‌تابند و نمی‌پذیرند که در تعاطی افکار و عقاید و دیدگاه‌های جامعه خود، دست به انتخاب بزند، به همین سبب دولت در عرصه فرهنگ با وضع نهادی که مجری سانسور است وارد صحنه می‌شود و با ابزارهایی که در دست دارد، در تولید کتاب مستقیماً دخالت می‌کند و از فرهنگ و عوامل غیر از آنچه که خودش قبول دارد، در عرصه گفتگوی عمومی جلوگیری می‌کند». رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «بحث بر سر محدود کردن نویسندگان، دانشمندان، متفکران و آدم‌های برجسته نیست؛ بحث بر سر جلوگیری از راهزنی فکرها و اندیشه‌هاست. ما مسئولیت مهمی در مقابل افکار مردم داریم. بهترین راه برای جلوگیری از این راهزنی، این است که اگر فکر راهزنی به وجود آمد، فکر هدایتگری هم در کنار آن مطرح بشود. این بهترین کار است. اگر واقعاً یک روز این مهم در کشور تأمین بشود، بسیار خوب است. ... اگر فکر غلطی بوسیله یک نفر که معتقد به این فکر غلط است، منتشر شد، ما باید بتوانیم در قبال آن، فکر درست را عرضه بکنیم، ما در آن روز مطلقاً نگرانی در این زمینه نخواهیم داشت؛ هر کتابی در هر زمینه‌ای می‌خواهند، منتشر کنند، ولی وقتی که چنین زمینه‌ای وجود ندارد - یعنی چنین امکانی نیست - یا به‌هر حال واقعیت این نیست یا اگر هم امکاناتی هست،

۱. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به سایت مشرق نیوز «نگاهی به ممیزی کتاب و خطوط قرمز نشر در کشورهای غربی».

استفاده نشده استفاده نمی‌شود، ما باید مواظب ذهن جوانان باشیم ...» (۷۶/۸/۱۹). ایشان در بیان نوع مواجهه با آثار ترجمه شده می‌فرمایند: «و عقاید ما باید «لاریب فیه» و قرص و محکم و استوار باشد و آن را با زبان مناسب بیان کنیم؛ آن وقت خواهیم دید که «سحر با معجزه پهلو نزنند دل خوش دار». دیگر غصه نخورید؛ معجزه را به میدان بیاورید؛ سحر بخودی خود جمع خواهد شد و آن عَصِی و حبالشان را خواهد خورد و برد. مهم این است که ما این ید بیضا را از جَبِمان بیرون بیاوریم و نشان بدهیم؛ مهم این است که ما این عصای موسوی را ببندازیم؛ این همان ابتکار را لازم دارد.» (۷۰/۱۲/۵) اما ید بیضاء در اینجا چیست؟ آیا صرف مواجهه انفعالی با آثار ترجمه شده به معنی حذف و سانسور می‌تواند چنین مفهومی را در بر داشته باشد؟ طبیعتاً چنین کاری ابتکار چندانی نیاز نخواهد داشت. ایشان در جایی دیگر در مورد مواجهه درست با افکار ترجمه شده می‌فرمایند: «در مقابل آن افکار، باید پادزهر ایجاد کرد. روحانیت این کشور، جوانان را در مقابل تفکرات پُر جاذبه مارکسیسم و اکسینه کرد و به آنان پادزهر زد.» (۷۰/۶/۲۵).

کلید واژه «انتخاب» در تعاملات فرهنگی که رهبر معظم انقلاب از آن استفاده کرده بودند^۱ در این مرحله مورد استفاده خواهد بود. راه و روش تبادل و تعامل درست فرهنگی انتخاب درست است و انتخاب درست شناخت کافی می‌خواهد و شناخت کافی نیازمند آگاهی جمعی - حداقل در زمینه مورد بحث - و تفوق نسبی بر نظرات مقابل آن اندیشه و همچنین شناخت موضع اسلام در برابر آن است. یعنی اصولاً بحث انتخاب زمانی پیش می‌آید که گزینه‌های مختلف را بشناسیم.

۱. تفاوت بین تهاجم و تعامل فرهنگی در این است که تعامل فرهنگی مثل این است که شما بر سر بساط میوه یا غذا و سبزی فروشی می‌روید و آنچه را که می‌لتن می‌کشید، چشم شما و کامتان می‌پسندد و با مزاجتان مساعد است، انتخاب می‌کنید و می‌خورید. در عالم فرهنگ هم همین است که آنچه دیدید و پسندیدید و مناسب خود دانستید و در آن ایرادی مشاهده نکردید، از مجموعه و ملت دیگر می‌گیرید؛ هیچ اشکالی هم ندارد. «اطلبوا العلم ولو بالصدین»؛ این را هزار و چهارصد سال پیش به ما یاد دادند. در تهاجم فرهنگی به شما نمی‌گویند انتخاب کن، بلکه شما را می‌خواه‌بندند، دست و پایتان را می‌گیرند و ماده‌ای را که نمی‌دانید چیست و نمی‌دانید برای شما مفید است یا نه، با آمپول به شما تزریق می‌کنند. البته دنیای غرب نگذاشت ما حس کنیم که دست و پایمان را گرفته‌اند و به ما تزریق می‌کنند؛ صورت قضیه را طوری قرار داد که ما خیال کردیم انتخاب می‌کنیم، در حالی که انتخاب نمی‌کردیم؛ بر ما تحمیل کردند. (۸۲/۹/۲۶)

۷-۱. ممیزی پویا

آنچه در این مقاله به عنوان «ممیزی پویا» مطرح می‌شود، در اصل بخشیدن قدرت انتخاب به مخاطب آثار ترجمه‌شده در حوزه علوم انسانی غربی با معرفی و ارائه گزینه‌های مختلف است. راه نهایی و مطلوب از نظر نگارنده این است که مکانیسمی طراحی شود که در آن مخاطب به انتخاب آگاهانه برسد. این مکانیسم در دو مرحله چنین ارائه می‌شود:

۷-۱-۱. انتخاب متن مورد نیاز جامعه برای ترجمه

در نوع سوم برخورد به ترجمه و انتشار «برخی» از آثار موجود اشاره شد. این نوع بیان، ناظر به وجه انفعالی انتخاب است. یعنی به طورمثال یک‌سری از آثار که در غرب مورد استقبال قرار گرفته و پرفروش است برای ترجمه و چاپ ارائه شود و آن گاه ممیز(بررس) تصمیم بگیرد که این اثر چاپ بشود یا نه.

۱۵۳

اما در نوع چهارم برخورد از عبارت ترجمه و انتشار «گزیده» آثار سخن به میان می‌آید. این بدان معناست که پروژه انتخاب کتاب نیز یک فرایند پویاست و باید براساس یک سری نیازها، اولویت‌ها و ترجیحات بومی به سراغ ترجمه متون رفت. (در این مرحله پرفروش بودن می‌تواند در کنار سایر معیارها مورد توجه قرار گیرد؛ اما معیار اصلی نخواهد بود.) این مرحله از انتخاب طبیعتاً به‌دست ناشر و متخصصان همان رشته - تحت نظارت سازمان مربوطه- انجام می‌گیرد. در نهایت اولویت‌هایی که منجر به انتخاب کتاب برای ترجمه شده است، می‌تواند توسط ناشر در مدخل کتاب برای مخاطب تبیین شوند، تا بخشی از فرآیند انتخاب متن مناسب نیز توسط مخاطب انجام گیرد. رهبر انقلاب در این زمینه ناشران را به شناخت و برنامه‌ریزی برای پر کردن خلأهای جامعه دعوت می‌کنند: «تولیدکنندگان کتاب هم باید به این معنا توجه کنند. در تولید کتاب - چه تولید به‌معنای ایجاد کتاب، چه تولید به‌معنای ترجمه کتاب، چه تولید به معنای نشر کتاب و در اختیار این و آن قرار دادن - به نیازها و خلأهای جامعه نگاه کنند؛ خلأها و نیازهای فکری را بشناسند و انتخاب کنند، سراغ آنها بروند.» ایشان در ادامه به دست‌های پنهانی اشاره می‌کنند که با مقاصد سیاسی به‌سراغ انتخاب و چاپ کتبی می‌روند که برای ذهنیت جامعه و کشور، چه از لحاظ جنبه‌های اخلاقی، چه از لحاظ جنبه‌های دینی و اعتقادی، چه از لحاظ جنبه‌های سیاسی،

زیانبخش است. (۹۰/۴/۲۹) رهبر همچنین با اشاره به رمانی به نام خانواده تیبو که با گرایش‌های اومانیستی، ضد مذهب و ضد جنگ نوشته شده بر اهمیت انتخاب محتوای خوب تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «...البته خیلی هم قشنگ و خوب ترجمه کرده؛ اما محتوا آن طوری است. چنین چیزهایی را دارند ترجمه می‌کنند؛ می‌شود گشت چیزهای خوبتری پیدا کرد.» (۷۰/۷/۲۸) با این اوصاف در مرحله اول، قوانین ممیزی باید ناظر به نوع اولویت‌هایی باشد که کتاب بر طبق آن انتخاب می‌شود. این اولویت‌ها توسط ناشر تبیین می‌شوند و مجوز اولیه ترجمه صادر می‌شود. (مرحله پیشینی ترجمه)

۷-۱-۲. انتخاب اندیشه‌های مناسب از آن کتاب، تفکیک اندیشه‌های سره از ناسره و عدم برخورد منفعل با محتوای موجود.

همان‌گونه که در قرآن کریم خداوند سخن کفار را عیناً بیان می‌کند و دلایلشان را بر می‌شمارد آنگاه به روش‌های مختلف همچون استدلال، حکمت موعظه و جدال احسن به بهترین نحو پاسخ آن را ارائه می‌دهد. همچنین بیان امام علی (ع) خطاب به فرزندشان در نامه ۳۱ نهج البلاغه^۱، انتخاب نهایی باید توسط مخاطب انجام گیرد. به این معنا که اندیشه‌های مختلف به او ارائه گردد تا بهترین را انتخاب کند. در این مرحله باید مکانیسمی طراحی شود که حاشیه‌نویسی که رسمی دیرینه در میان عالمان ما بوده، قوت گیرد و کتب ترجمه‌شده توسط عالمان همان رشته حاشیه‌ای هرچند مختصر و مفید زده شود، سپس چاپ و ارائه گردد. تا مخاطب حداقل در مواجهه اولیه کاملاً تسلیم اثر نشود و گزینه‌ای مبنی بر اشتباه بودن برخی اندیشه‌ها در ذهن خویش باز کند. این حاشیه‌ها می‌تواند بستری برای مطالعه بیشتر فرد و رسیدن به پاسخ‌های گسترده‌تری برای سؤالات و شبهات وی باشند و زمینه رشد فکری او را بیش از پیش فراهم کند. البته مقدمه‌نویسی نیز مطلوب است، اما حاشیه‌نویسی به دلیل تقابل پایاپای و موازی با محتوا مؤثرتر می‌نماید. چه بسا استفاده هر دو نیز مطلوب باشد. (مرحله پسینی ترجمه)

۱. «از آن ترسیدم که مبدا رأی و هوایی که مردم را دچار اختلاف کرده است و کار را برای آنها مشتبه ساخته بر تو نیز هجوم آورد، گرچه آگاه کردن تو را نسبت به این امور خوش ندانستم اما آگاه شدن و استوار ماندنت را ترجیح دادم تا تسلیم هلاکت اجتماع نگردی.»

۲-۷. مکانیسم اجرایی ممیزی پویا

همانگونه که بیان شد هدف عمده ممیزی پویا بخشیدن قدرت انتخاب به مخاطب ترجمه است؛ اما در بحث اجرایی چند سؤال پیش خواهد آمد، اول اینکه متولی چنین طرحی چه نهادی می‌تواند باشد؟ آیا این طرح هم مانند ممیزی مرسوم باید به وزارت ارشاد سپرده شود؟ این کار با چه شیوه‌ای انجام خواهد شد؟ افرادی که قرار است بر این کتاب‌ها حاشیه بزنند با چه شیوه‌ای انتخاب خواهند شد؟ این افراد باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟ آیا چنین طرحی در مورد تمام کتب ترجمه‌ای علوم انسانی قابل اجرا است یا نیاز به محدودیت گسترده دارد؟ چه کتبی در اولویت پرداخت هستند؟ چه مشکلات احتمالی برای اجرای این طرح قابل تصور است؟

۲-۷-۱. متولی

نهادهایی که رهبر انقلاب در حوزه ترجمه مسئول می‌دانند عبارتند از: حوزه‌های علمیه، وزارت علوم، مراکز فرهنگی. با این حال وجود یک نهاد انقلابی برای گزینش و اختصاص هزینه برای ترجمه کتب مورد نیاز جامعه فارغ از زد و بندهای سیاسی یکی از وظایفی است که رهبر انقلاب تلویحاً آن را به شورای عالی انقلاب فرهنگی واگذار کردند. ایشان در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «یکی از کارهای ما تولید کتاب است، ترجمه کتاب [است]. شما نگاه کنید ببینید در دنیا چه چیزهایی منتشر می‌شود که دانستن آن برای جوان ایرانی لازم است؛ ترجمه کنید، پول بدهید ترجمه کنند، کما اینکه دیگران دارند، می‌کنند ... سرمایه‌دار می‌رود پول عالی می‌دهد به مترجم که فلان کتاب را ترجمه کن. من پرسیدم از یکی از همین حضرات که مترجم به شما مراجعه می‌کند یا شما به مترجم مراجعه می‌کنید؟ گفت نه، ما به مترجم مراجعه می‌کنیم؛ راست می‌گویند، مترجم پیدا می‌کنند برای اینکه ترجمه کند. خوب این کار را شما هم باید بکنید؛ کتاب ترجمه کنید...» (۹۲/۹/۱۹) در حقیقت مناسب است مدیریت عرصه ترجمه کتب علوم انسانی که امروزه به تهدیدی امنیتی برای کشور تبدیل شده است، به وزارت ارشاد تفویض نشده و مستقیماً به نهادی زیرمجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی و خصوصاً شورای عالی حوزوی سپرده شود.

۷-۲-۲. ویژگی های ممیز

در این طرح نیاز نیست که ممیز و مترجم یکی باشند. بلکه نهاد مربوطه می تواند پس از ترجمه اثر، آن را در اختیار متخصص قرار داده تا اقدامات بعدی توسط وی انجام گیرد. چنین افرادی باید با رصد دقیق علمی توسط نهاد مربوطه شناسایی، انتخاب و دعوت به همکاری شوند.

ویژگی های ممیز در کلام امام خمینی (ره) چنین آمده است: «نوشته هایی که می خواهد طبع بشود، یک چند نفری که می دانید، یقین دارید که آن ها آدم هایی هستند که مستقیم هستند، و در راه مسیر ملت و کشور هستند و وابستگی به هیچ جا ندارند، آن ها نوشته ها را مطالعه کنند، درست دقت کنند در آن، و بعد از این که دقت کردند در روزنامه یا در مجله نوشته بشود... و افراد مطلع، مدیر و کسانی که از مکتبها اطلاع دارند و مسیر آن ها را می دانند، این ها توجه بکنند، و کتابها را مطالعه کنند قبل از انتشار. این، هم صلاح خود شماست و هم صلاح ملت است.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۷۴)

افرادى که ۱. انقلابی ۲. مستقل ۳. مطلع ۴. مدبر ۵. آگاه نسبت به مکتبها (متخصص) باشند، در نظر ایشان شایستگی نظارت بر ممیزی را خواهند داشت. امام (ره) احتمال وجود چنین ویژگی هایی در فرد را کافی نمی دانند و حصول یقین را ملاک می دانند. بنابراین شناخت هر کدام از این ویژگی ها در فرد نیازمند مکانیسم درست و منطقی خواهد بود.

یکی از بهترین راهها ورود متخصصان حوزوی به حوزه ترجمه متون علوم انسانی است. این متخصصان باید هم با گفتمان علوم انسانی اسلامی و هم با فضای علمی، فرهنگی و فکری غرب آشنا باشند. آنها علاوه بر اینکه می توانند در پروسه انتخاب بهترین کتاب برای ترجمه متناسب با خلأهای اجتماع نقش تعیین کننده ای داشته باشند، در مراحل شرح و تحشیه نیز کارآمد خواهند بود.

۷-۲-۳. چگونگی

باید توجه داشت که ممیزی پویا جایگزینی برای ممیزی مرسوم نیست، بلکه بعنوان طرحی مکمل برای رفع نواقص و ناکارآمدی های احتمالی آن ارائه شده است. برخی آثار-مانند کتاب های مروج فحشا و بی بند و باری- در هر حال اجازه انتشار ندارند، اما برخی آثار در حوزه علوم انسانی

می‌توانند همراه با حاشیه‌نویسی^۱ و نقد آن منتشر شوند. این نقدها، هم می‌توانند از منظر علوم انسانی اسلامی به آن اندیشه وارد شوند و هم نقدهای موجود در فضای فکری همان فرهنگ می‌تواند بازگو شود. برای مثال امروزه در خود غرب نقدهای جدی بر الگوهای مدرن وارد شده و ناکارآمدی بسیاری از آنها را اثبات کرده است. برخی از اندیشه‌ها که به صورت طبیعی غامض هستند و قابلیت برداشت‌های مختلف را دارند نیز نیازمند شرح و تفسیر^۲ هستند.

در مدل آرمانی شیوه برخورد با آثار ترجمه شده، مراحل زیر قابل تصور است:

در مواجهه اولیه با کتب ترجمه شده با منطق و استدلال نظریه‌های غلط رد شود و نظریه‌های سازگار با مبانی اسلامی انتخاب شوند. مرحله پس از آن شرح و معرفی صحیح افکار منتخب خواهد بود و مرحله نهایی اقتباس^۳ بهترین نظرات برای رسیدن به مفاهیم جدید و مورد نیاز فرهنگ کشور خواهد بود. رهبر فرزانه انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «پیشرفت علمی و اقتباس علمی - که من به اقتباس معتقدم؛ اما به ترجمه محض و اکتفای به ترجمه، معتقد نیستم - کاری لازم است و اسلام هم ما را به این، امر می‌کند.»

انجام مرحله اولیه یعنی برخورد منتقدانه با آثار ترجمه شده خود موتور محرکه‌ای برای حرکت در این مسیر خواهد بود و حداقل نتیجه آن واکسینه شدن مخاطب در برابر اندیشه‌های نامناسب خواهد بود. این شیوه ممیزی در مرحله اول اجرا می‌تواند اختیاری در نظر گرفته شود و هر انتشاراتی که با چنین رویکردی به ترجمه آثار بپردازد، از امتیازات ویژه‌ای بهره‌مند شود. به تدریج چنین شیوه‌ای امکان تبدیل شدن به یک قانون لازم‌الاجرا را خواهد داشت.

۱. حاشیه‌نویسی، از سنت‌های نوشتاری مسلمانان، به معنای نوشتن نکاتی در کناره‌های (هوامش) یک متن برای توضیح یا نقد یا تصحیح آن و نیز تألیف آثاری مستقل با همین هدف است.

۲. شرح نویسی بیشتر به منظور ساده‌سازی متن و توضیح مفاهیم پیچیده برای فهم بهتر انجام می‌شود. در شرح و تفسیر، شارح یا مفسر معمولاً با متن اصلی همدل هستند و قصدشان از شرح یا تفسیر فقط بازنمایی معانی عمیق‌تر است؛ برخلاف تحشیه و تعلیقه که ممکن است همدلانه نباشد.

۳. در فرهنگ لغت عمید اقتباس به معنای همچون: ۱. نقل کردن و گرفتن مطلبی از کسی یا جایی با تغییر دادن آن برای پدید آوردن اثر جدید. ۲. دانش فراگرفتن از کسی. ۳. فایده گرفتن از کسی آمده است.

۷-۲-۴. گستره

به نظر می‌رسد تا زمانی که فرهنگ‌سازی لازم در این زمینه صورت نگرفته و منابع کافی به آن اختصاص نپذیرد و از همه مهم‌تر حجم ترجمه با تعداد اساتید مطلع و دغدغه‌مند متناسب نباشد، فراگیری آن در سطح گسترده غیرممکن خواهد بود. بنابراین لازم است، در بدو امر محدوده خاصی در نظر گرفته شود. برای مثال می‌توان از تحشیه بر متون ترجمه شده‌ای که در دانشگاه‌ها مورد استقبال قرار گرفته و در حال تدریس هستند، آغاز نمود.

۷-۲-۵. مشکلات و آسیب‌های احتمالی این شیوه

نفوذ افراد مغرض و غیرمتعهد بیش از استفاده از افراد دارای تخصص پایین می‌تواند در انحراف اهداف این طرح مؤثر باشد. این افراد با سفسطه و مغالطه می‌توانند واقعیات را آن‌طور که می‌پسندند بازنمایی کنند نه آن‌طور که هست. یکی از این موارد برخورد ساده و سطحی با اندیشه‌های مذکور و تقلیل سطح تعارض با محتوای موجود است.

۱۵۸

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

علوم انسانی از این جهت که با فکر و اندیشه افراد سروکار دارد، نقش حساس و تعیین‌کننده‌ای در حرکت، تعیین مسیر و مقصد جامعه خواهد داشت. با این نگاه ترجمه متون در حوزه علوم انسانی عرصه فرصت‌ها و تهدیدهای بسیاری است.

در ابتدای نهضت ترجمه که آغاز مواجهه جدی دانشمندان مسلمان با علوم بیگانه بود، ترجمه حداکثری متون پیش گرفته شد؛ اما چنین روندی رفته‌رفته جای خود را به شرح‌نویسی و تحشیه بر متون ترجمه شده داد. ترجمه در ایران آغازی مشابه با نهضت ترجمه در اسلام داشت؛ اما تفاوت ماهوی آن سبب شد تا همان مسیر را طی نکند. این بار عامل اصلی ترجمه، اندیشمندان و متفکران دلسوز داخلی نبودند که به‌منظور کسب علم و آگاهی با علوم انسانی بیگانه مواجه شده باشند و به‌دنبال یافتن بهترین الگوی مواجهه باشند. بلکه سرویس‌های جاسوسی غربی بودند که درصدد ترجمه سیستم تفکر غربی و مرجع قرار دادن آن در تمام شئون زندگی برای ایرانیان مسلمان برآمدند. آن‌ها می‌خواستند بدین‌وسیله هم اهداف جهانی‌سازی را پیگیری کرده و هم

علوم انسانی اسلامی را که خطری بالقوه برایشان محسوب می‌شد از صحنه رقابت حذف نمایند، بنابراین ترجمه حداکثری و محض متون علوم انسانی تا به امروز همچنان با قوت ادامه پیدا کرده است. ممیزی مرسوم که در مواجهه با آثار داخلی و خارجی از یک الگو تبعیت می‌کند، تنها راه موجود برای کنترل و نظارت بر چنین روندی است؛ متأسفانه این شیوه در مورد ترجمه علوم انسانی غربی ناکارآمد بوده و در زمان اجرا به سهل‌گیری در برابر انتشار متون ترجمه شده می‌انجامد. به نظر می‌رسد راه برون رفت از این اوضاع همان الگویی است که دانشمندان اسلامی در ادامه نهضت ترجمه به آن رسیدند، الگویی که فارابی، علامه طباطبایی، علامه جعفری در مواجهه با متون ترجمه شده به کار گرفتند و در این پژوهش با نام «ممیزی پویا» مطرح گردید.

«ممیزی پویا» برخلاف ممیزی مرسوم که تنها ناظر به حذف اندیشه‌های نادرست است، به تقابل پایایی با آن اندیشه‌ها می‌پردازد و ماهیت‌شان را برای جامعه روشن می‌نماید. در این شیوه، متون ترجمه شده قبل از انتشار توسط متخصصانی که علاوه بر شناخت اندیشه‌های مطرح شده در اثر با مبانی و الگوهای اسلامی هم‌آشنایی دارند، حاشیه‌نویسی شده و در صورت نیاز شرح داده خواهند شد. یکی از مهمترین چالش‌ها در حوزه اجرای این طرح وجود مکانیسمی برای رصد و شناخت افرادی متخصص، متعهد و آشنا با مبانی اسلامی است.

منابع

1. نهج البلاغه، گردآورنده: شریف‌الرضی، محمدبن حسین، ترجمه جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۸۰)؛ مشهد: نشر آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
2. پارسانیا، حمید (۱۳۹۱)؛ جهان‌های اجتماعی، چاپ اول، قم: انتشارات کتاب فردا.
3. فضلی‌نژاد، پیام (۱۳۹۱)؛ نیمه پنهان: ارتش سری روشنفکران، تهران: نشر کیهان.
4. شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۸۶)؛ آینه پژوهش، مقاله ممیزی کتاب، سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی در حوزه ممیزی کتاب.
5. داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۴)؛ فارابی، تهران: چاپ قیام.
6. مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۰)؛ اندیشه سیاسی فارابی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی.

۷. فلاطوری، عبدالجواد (۱۳۵۴) مقاله نظر فارابی درباره تبادل فرهنگ‌ها، کتاب ابونصر فارابی، زیر نظر ایرج افشار، تهران انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.
۸. صفا، ذبیح الله (۱۳۵۴)؛ مقاله محیط علمی و فرهنگی عصر فارابی، کتاب ابونصر فارابی، زیر نظر ایرج افشار، تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۱)؛ اصول فلسفه و روش رئالیسم، تحقیق و تنظیم کتاب: سید هادی خسروشاهی، چاپ سوم، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۱۰. صحیفه امام، جلد ۱۳، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۱. دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدادعادل (۱۳۸۳)، تهران: نشر بنیاد دایره المعارف اسلامی.
۱۲. رجب زاده، احمد (۱۳۸۱)؛ ممیزی کتاب، پژوهشی در ۱۴۰۰ سند ممیزی کتاب در سال ۱۳۷۵، تهران: نشر کویر .
۱۳. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان (۱۳۷۷)؛ شماره ۱۵ مصاحبه با آقای کامبیز نوروزی؛ «سانسور مردود است، حتی در ادبیات کودک».
۱۴. فصلنامه نقد کتاب (۱۳۹۳)؛ «ممیزی کتاب و مشکلات آن»، اطلاع‌رسانی و ارتباطات، سال اول، شماره ۳ و ۴ پاییز و زمستان.
۱۵. سایت مقام معظم رهبری، خامنه‌ای دات آی آر www.khamenei.ir
۱۶. خبرگزاری فارس (۱۳۹۲)؛ گزارش همایش «ترجمه و علوم انسانی»؛ حداد عادل: «جماعت متدین وارد ترجمه علوم انسانی شوند/ ترجمه در ایران با تجدد پیوند خورده است».
۱۷. سایت فرارو (۱۳۹۴)؛ «تشریح نحوه ممیزی کتاب در وزارت ارشاد»
۱۸. خبرگزاری فارس (۱۳۹۲)؛ قانون درباره ممیزی کتاب چه می‌گوید/ نگاهی دوباره به «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب»
۱۹. مشرق نیوز (۱۳۹۳)؛ «نگاهی به ممیزی کتاب و خطوط قرمز در کشورهای غربی»
۲۰. خبرگزاری مهر (۱۳۹۲)؛ تفسیر المیزان ناظر به شبهات رشید رضا در «المنار» است «المیزان» تفسیر آیه به روایت هم هست.